

## تحلیل ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، با نگرشی تطبیقی به نظام حقوقی انگلستان

علیرضا جمشیدی | استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

پیام فروزنده\* | دانشجوی دکتری حقوق تخصصی جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سیدمحمدامین حسینی | دانشجوی دکتری حقوق تخصصی خصوصی، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با یک نوآوری نسبت به قانون سابق، رفتار جدیدی را جرم‌انگاری کرده است که بر مبنای ماده مذکور، این رفتار عبارت از نقض حریم خصوصی جسمانی دیگری و ارتکاب عمدی رفتاری فیزیکی علیه جسم او است؛ این رفتار، هر چند ممکن است منجر به آسیب معنوی در مجنی علیه شود، اما اثری از خود در بدن او باقی نمی‌گذارد. این جرم وجوه اشتراک قابل توجهی با یکی از جرایم کامن‌لا در حقوق انگلستان با عنوان تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری (Battery) دارد. بررسی عناصر متشکله این جرم در حقوق انگلستان و تطبیق آن‌ها با ماده مذکور و همچنین مطالعه نقاط اشتراک و افتراق این دو جرم، ابعاد جدیدی از ماده قانونی مورد بحث را در نظام حقوقی کشورمان نشان می‌دهد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. به علاوه، به نظر می‌رسد که ماهیت ضمانت اجرایی که ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای ارتکاب رفتار موضوع آن ماده در نظر گرفته است، تنها مجازات نبوده و دارای جنبه جبران خسارت نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: تمامیت جسمانی، حریم خصوصی جسمانی، تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری، خشونت.

#### ۱- مقدمه

جسم هر انسانی یکی از بزرگ‌ترین ودیعه‌هایی است که پروردگار جهان در اختیار او قرار داده است و حفظ چنین ودیعه‌ای نیز تکلیف هر مسلمانی است و خداوند متعال در قرآن کریم به انسان دستور می‌دهد که تن خود را از هلاکت و آسیب دور نگه دارد.<sup>۱</sup> محافظت از جسم، از منظر دین مبین اسلام، چنان اهمیت والایی دارد که اگر تکالیف شرعی مسلمان، مانند نماز و روزه برای سلامتی او مضر باشد، چنین واجباتی تبدیل به اعمالی حرام می‌شوند.<sup>۲</sup> هر مسلمانی علاوه بر اینکه مکلف است از تن خود محافظت کند، همچنین تکلیف دارد که به حریم جسمانی دیگر افراد نیز احترام بگذارد و به آن تعدی نکند. از آنجاکه تمامیت جسمانی هر شخص نخستین و مهم‌ترین داشته اوست، تجاوز به آن در بیشتر نظام‌های حقوقی جهان با شدیدترین مجازات‌های کیفری مواجه می‌باشد و به همین دلیل کامل‌ترین حریم از جهت حمایتی، حریم جسمانی است (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). حال اگر شخصی به حریم جسمانی دیگری تعرض کند، چنانچه این تعرض عمدی باشد، خواه تعرض به نفس باشد یا مادون آن، اصولاً مجازات قصاص را در پی خواهد داشت و در صورتی که شرعاً، قانوناً و یا عملاً امکان قصاص وجود نداشته باشد، تبدیل به دیه و تعزیر می‌شود؛ و اگر تعرض به صورت غیرعمدی (شبه‌عمد یا خطای محض) واقع شود، دیه خواهد داشت.<sup>۳</sup> اما با وجود اهمیتی که مسئله تمامیت جسمانی شخص در شرع مقدس اسلام دارد، قانون‌گذار کشورمان در این خصوص دقت کافی را مبذول نداشته است و گاه با سهل‌انگاری‌های خود ابهاماتی جدی برای حقوقدانان ایجاد کرده است.<sup>۴</sup>

ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یکی از نوآوری‌های قانون‌گذار نسبت به قوانین سابق است که توجه ویژه مقنن را نسبت به حریم خصوصی جسمانی اشخاص نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اگرچه مقنن تا پیش از سال ۱۳۹۲ تنها رفتارهایی را علیه جسم اشخاص که اثر و آسیبی از خود برجای می‌گذاشتند، در محدوده حقوق کیفری تلقی می‌کرد؛ اما در این سال محدوده

۱. «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (آیه شریفه ۱۹۵ سوره مبارکه‌ی بقره)

۲. نک: خمینی، بی‌تا: ۲۹۳/۱ و ۲۹۴

۳. نک: مواد ۳۸۱ و ۳۸۶ و ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۴. برای مثال نک: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۲۸۵ و ۲۸۶؛ آقائی‌نیا، ۱۳۹۷: ۳۱۸ تا ۳۲۰؛ نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه.

این رفتارها را گسترش داده و هرگونه تجاوز به حریم جسمانی اشخاص را جرم و مسئله کیفری قلمداد کرد. از طرف دیگر، می‌دانیم که تنها رفتارهایی جرم محسوب می‌شوند و شایستگی حمایت کیفری را دارند که ارزش‌های اساسی جامعه را نقض کنند؛ بنابراین، یک رفتاری که مجرمانه تلقی می‌شود، نشان‌دهنده یک ارزش مهم و مورد حمایت جامعه است، هرچند که این جرم دارای مجازات سبکی باشد. اگر از دریچه خشونت‌های خانگی و یا مزاحمت‌های خیابانی به این مسئله بنگریم، اهمیت این موضوع پُررنگ‌تر نیز می‌شود؛ هرچند که در این قبیل مسائل انتقاداتی بر مقنن وارد است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

ماده مذکور با وجود اینکه خلأ قانونی سابق را در حوزه تعرض به تمامیت جسمانی اشخاص را پوشش داده است، ولی به اختلافات گوناگونی نیز در مراجع قضایی دامن زده است. برای مثال در پرونده‌ای که شاکی آن یک مرد بوده است و متهم که زن بوده، اقرار کرده است که سبلی بر صورت شاکی زده است که اثری از آن برجای نمانده است؛ در این خصوص، شعبه ۱۰۷۸ دادگاه عمومی جزایی تهران، با استناد به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ شخص را تحت عنوان توهین محکوم کرده است؛ لکن شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، مورد را از موارد تحت شمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌داند.<sup>۱</sup> همچنین پرسش‌های متعددی درخصوص این ماده از اداره حقوقی قوه قضائیه صورت پذیرفته است که برای نمونه در موردی، مرجع قضایی از اداره حقوقی قوه قضائیه سؤال می‌کند که «فردی که مجوز اسپری افشانه دفاع شخصی دارد به‌طور عمدی و بدون ضرورت از آن استفاده و لیکن اثری غیر از سوزش چشم برای شاکی ایجاد نکرده آیا رفتار مرتکب عنوان مجرمانه دارد یا خیر؟ مستند قانونی چیست؟» و اداره حقوقی در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵/۱۱۱۱ این مورد را تحت شرایطی از مصادیق ماده ۵۶۷ بیان می‌کند.<sup>۲</sup> همچنین، ماهیت و عناصر متشکله جرم موضوع این ماده در نشست‌های قضایی نیز مورد بحث قرار گرفته است که در یکی از این جلسات این پرسش مطرح شده است که «دو نفر با هم درگیر شده‌اند و شاکی مدعی است مصدوم شده، اما به پزشکی قانونی مراجعه نکرده است. دادگاه مجازات متهم را ۱۵ ضربه شلاق تعیین کرده است. حال در این فرض که شاکی خودش حاضر نشده به پزشکی قانونی مراجعه کند، ولی اصل ورود ضربه به نامبرده محرز است، آیا می‌توان مرتکب را به استناد ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی به شلاق محکوم کرد... آیا هر ضربه‌ای مشمول این قانون

۱. برای مطالعه کامل رأی و تحلیل آن بنگرید: قانع، ۱۳۹۹: ۱۹۳ تا ۲۱۰.

۲. پایگاه اینترنتی اداره حقوقی قوه قضائیه به نشانی: [www.edarehoquqy.eadl.ir](http://www.edarehoquqy.eadl.ir)

است؟ برای مثال اگر فردی به پشت کسی با دست به آرامی ضربه بزند؟ ... آیا اگر کسی خودش به پزشکی قانونی نرود، مشمول این ماده قانونی است؟ و اگر صدمه‌ای وارد شود که دارای دیه مقدر باشد، آیا تعریز دارد یا خیر؟<sup>۱</sup>

با عنایت به آنچه که در بالا به صورت خلاصه بیان شد، ماده قانونی مزبور، نیازمند تحلیل، نقد و بررسی دقیق ارکان تشکیل دهنده، محدوده شمول و شرایط تحققش می‌باشد تا به اختلاف نظرها پایان بخشد و ابعاد گوناگون این ماده روشن شود و زوایای متنوع آن مورد نقد قرار گیرد. موضوعی که تاکنون به آن پرداخته نشده است. از سوی دیگر، نظام حقوقی انگلستان که همواره مورد توجه نویسندگان ما بوده است، با داشتن دسته‌بندی‌های متعدد در زمینه آنچه جرایم غیر مهلک<sup>۲</sup> خوانده می‌شود، می‌تواند به‌عنوان منبعی مناسب برای پژوهش‌ها در این زمینه، مورد استفاده قرار گیرد. وجود جرمی که مشابهت قابل توجهی با ماده قانونی مورد بحث دارد و تعدد پرونده‌ها در ارتباط با آن، می‌تواند در شناخت و سنجش این جرم کمک شایانی کند.

در نوشتار حاضر، ارکان جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تطبیق آن با جرم مشابه در نظام حقوقی انگلستان مورد بررسی قرار گرفته است و سپس ماهیت ضمانت اجرای موجود در این ماده، از جهت مجازات یا جبران خسارت بودن تحلیل شده و در نتیجه آثار متعدد این تحلیل مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲- عنصر قانونی

در نظام حقوقی انگلستان جرایم غیر مهلک به دسته‌های متعددی تقسیم می‌شوند و محدوده بسیار زیادی از رفتارها، از بالا بردن مشت و تهدید به اعمال خشونت تا شروع به قتل را شامل می‌شوند (Carr and Johnson, 2013: 97)؛ این جرایم را می‌توان حداقل در ۳ دسته‌بندی کلی قرار داد: ۱- نخستین دسته از این جرایم که در حقیقت علیه تمامیت روانی مجنی علیه صورت می‌پذیرد (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۶: ۱۲)، «تهاجم ساده»<sup>۳</sup> است<sup>۴</sup> که در تعریف آن گفته‌اند: «هر رفتاری

۱. سامانه نشست‌های قضایی، متعلق به مرکز آموزش قوه قضاییه به نشانی: www.neshast.org

۲. مراد non-fatal offences است و از آنجایی که استاد میرمحمد صادقی از عبارت جرایم غیر مهلک استفاده کرده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۷۷)، ما نیز از این معادل فارسی استفاده می‌کنیم.

3. Common assault

۴. از آنجایی که تهاجم (assault)، در معنای عام خود، هر دو جرم تهاجم ساده و تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری را شامل می‌شود (Herring, 2011: 101)، به این دلیل از تهاجم ساده (common assault) که تهاجم در معنای خاص کلمه است، استفاده کردیم.

که متهم عامداً یا از روی بی احتیاطی سبب شود که قربی تصور کند، بر علیه او خشونت شخصی فوری غیر مشروع اعمال خواهد شد (Loveless, 2012: 516) و در آن هیچ گونه تماس فیزیکی میان متهم و مجنی علیه نیاز نیست (Molan, 2001: 761)». این جرم تحت بخش ۳۹ از قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ قرار می گیرد.

۲- دومین جرم، «تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری»<sup>۳</sup> است؛ که به همراه تهاجم ساده، سبک ترین جرایم غیر مهلک علیه انسان هستند (Card, 2012: 176). در تعریف آن گفته اند: «هر رفتاری که متهم عامداً یا از روی بی احتیاطی، قوه قهریه یا خشونت شخصی غیر مشروع را بر قربانی تحمیل یا اعمال کند (Loveless, 2012: 526)». این جرم نیز تحت بخش ۳۹ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ قرار می گیرد.

۳- دسته دیگر جرایمی هستند که برخلاف دو دسته مذکور، منجر به صدمه جسمانی در بدن قربانی می شوند. مهم ترین این جرایم عبارتند از:

«تهاجم منجر به ورود صدمه جسمانی»<sup>۴</sup> که هرگاه یکی از دو جرم پیش گفته منجر به آسیب بدنی شود، این جرم واقع می گردد (Loveless, 2012: 529). این صدمه جسمانی، هر صدمه ای است که بر آسایش یا سلامتی قربانی اثر سوء می گذارد و حتی یک خراش یا خونریزی بینی را نیز شامل می شود

۱. اگرچه برخی، عنوان های دیگری مانند ایجاد ترس از اعمال خشونت را نیز برای این جرم استفاده کرده اند (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۶: ۱۲) اما از آنجایی که برای تحقق این جرم نیازی به ایجاد ترس در مجنی علیه نیست، بلکه تصور اینکه چنین خشونت قریب الوقوعی بر او اعمال خواهد شد، کفایت می کند (Loveless, 2012: 517)؛ میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۷۹، به نظر می رسد، همان عنوان تهاجم مناسب تر است.

2. Section 39 of the criminal justice act 1988

3. Battery

۴. این جرم، «ایراد خشونت علیه دیگری» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۸۰) و «ایراد ضرب» (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۶: ۱۵) نیز ترجمه شده است؛

در معنای لغوی «خشونت» به معنی درشتی و زبری، خشم و تندی و تیزی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۸۳۲) و «ضرب» به معنای ضربت، کوب و لطمه آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۱۵۹) و با توجه به اینکه این جرم هرگونه تماس ناخواسته و غیرمشروع با بدن مجنی علیه را شامل می شود (Herring, 2012: 326) و نیازی به تندی و لطمه نیست. همچنین چنان که گفته اند، ضربه معمولاً منتهی به سرخی، کبودی و سیاهی جلد بدن می شود و مستلزم تأثیر و تأثر مادی در بدن مضروب می باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۱۲۲ و ۱۲۳). به همین دلایل، نگارندگان «تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری» را که دایره گسترده تری را شامل می شود، معادل مناسب تری برای این جرم می دانند.

5. Assault causing actual bodily harm

و همچنین شامل صدمات روحی، عصبی و روانی نیز می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۸۱). این جرم تحت بخش ۴۷ قانون جرایم علیه اشخاص ۱۸۶۱ قرار می‌گیرد.

و «ایراد خشونت منجر به ورود صدمه جسمانی شدید»<sup>۲</sup> و «ایراد خشونت عامدانه به قصد ورود صدمه جسمانی شدید»<sup>۳</sup> هستند. در هر دو جرم، آسیب‌های جدی بر بدن قربانی وارد می‌شود و تفاوت آن‌ها در عنصر روانی (قصد) متهم است (for further reading see: Carr and Johnson, ) جرم اول تحت بخش ۲۰ و جرم دوم تحت بخش ۱۸ قانون جرایم علیه اشخاص ۱۸۶۱<sup>۴</sup> قرار می‌گیرند.

در طرف دیگر ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی نیز که یکی از نوآوری‌های قانون جدید است، بیان می‌دارد: «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن شود و نه اثری از خود در بدن برجای گذارد، ضمان منتفی است، لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود».

با توجه به این ماده قانونی مذکور و آنچه که به‌طور خلاصه در مورد تقسیم‌بندی‌های جرایم غیر مهلک علیه انسان در نظام حقوقی انگلستان بیان شد، رفتار موصوف در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی که در آن تعدی بر تمامیت جسمانی قربانی صورت می‌پذیرد، اما اثری از خود برجای نمی‌گذارد، مشابه جرم «تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری» (Battery) در نظام حقوقی انگلستان است؛ اگرچه این جرم به همراه جرم «تهاجم» (Assault) در اصل از جمله جرایم کامن‌لا<sup>۵</sup> هستند، اما از سال ۱۸۶۱ و بر مبنای پرونده دادستانی علیه تیلور و پرونده دادستانی علیه لیتل<sup>۶</sup> به صورت قانون مدون درآمدند (Card, 2012: 176) و امروزه هر دو جرم که اغلب نیز باهم مطرح می‌شوند (Loveless, 2012: 517)، طبق بخش ۳۹ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ رسیدگی می‌شود که این بخش بیان می‌دارد: «تهاجم و تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری جرایم اختصاری<sup>۷</sup> هستند و شخص

1. Section 47 of offences against the person act 1861

2. Grievous bodily harm or malicious wounding

3. Grievous bodily harm or wounding with intent to do Grievous bodily harm or wounding

4. Sections 20 and 18 of offences against the person act 1861

۵. به جرایمی گفته می‌شود که قبل از اینکه به صورت قانون مدون در بیایند، براساس پرونده‌ها و تصمیمات قضات

به وجود آمده‌اند (for further reading see: Martin and Storey, 2015: 7 and 8).

6. DPP V Taylor ; DPP V Little [1984] 3 All ER 374 at 378

۷. یک قسم از تقسیم‌بندی جرایم بر اساس مرجع رسیدگی‌کننده، جرایم اختصاری (summary offences) است که این جرایم

در دادگاه بدوی (magistrates' court) رسیدگی می‌شود (Martin and Storey, 2015: 13). این دادگاه‌ها به دعای جزئی

و موضوعات سبک رسیدگی می‌کنند (Blackwell, 2008: 304). رایج‌ترین مجازات در این دادگاه‌ها جزای نقدی است که از

مقصر به هر کدام از آن‌ها به پرداخت جزای نقدی که از سطح ۵ در درجه‌بندی پذیرفته شده<sup>۱</sup> تجاوز نمی‌کند، یا به حبس که از مدت ۶ ماه تجاوز نکند، یا هر دو محکوم می‌شود.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که مشاهده شد، هیچ تعریف قانونی از جرم اعمال نیروی غیرقانونی علیه دیگری وجود ندارد و برای بررسی عناصر اصلی این جرم، باید به پرونده‌های کامن‌لا رجوع کرد.

### ۳- عنصر مادی

با توجه به مطالبی که در عنصر قانونی بیان شد، هر دو جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی و تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری برخلاف سایر جرایم علیه تمامیت جسمانی<sup>۳</sup>، از جمله جرایم مطلق هستند، زیرا در جرایم مطلق، قانون‌گذار ارتکاب رفتار مجرمانه [با شرایطی که تعیین کرده است] را برای تحقق جرم کافی می‌داند و هرچند که صرف عدم بیان نتیجه مجرمانه در مواد قانونی برای مطلق دانستن جرم کافی است (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۲۲۲ و ۲۲۳)، اما حتی در ماده ۵۶۷ قانون‌گذار، صراحتاً عدم تحقق نتیجه فیزیکی را شرط کرده است،<sup>۴</sup> و در صورتی که رفتار مرتکب، منتهی به نتیجه‌ای فیزیکی در بدن مجنی علیه شود، موضوع خارج از ماده مذکور خواهد بود.<sup>۵</sup> جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری نیز جرمی مطلق است و تحقق نتیجه‌ای برای این جرم شرط نشده است؛ پس عنصر مادی هردو جرم متشکل از رفتار و شرایط قانونی می‌باشد.

پنج هزار پوند برای اشخاص حقیقی و بیست هزار پوند برای شرکت‌ها تجاوز نمی‌کند (Huxley-binns and Martin, 2014: 176 and 327 and 341). جرایم اختصاری باید حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ وقوع جرم، شروع به تعقیب گردند، در غیر این صورت مشمول مرور زمان می‌شوند، مگر اینکه قانون به نحو دیگری معین کرده باشد (Martin, 2003: 485).

۱. این اصطلاح به درجه‌بندی جزای نقدی اشاره دارد که به وسیله‌ی قانون عدالت کیفری ۱۹۸۲ مطرح شد و بنا بر قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ اصلاح شد. این درجه‌بندی از سطح ۱ تا ۵ متغیر است و حداکثر میزان جزای نقدی درجه ۵، پنج هزار پوند می‌باشد (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۶: ۱۵).

2. Common assault and battery shall be summary offences and a person guilty of either of them shall be liable to a fine not exceeding level 5 on the standard scale, to imprisonment for a term not exceeding six months, or to both.

۳. در حقیقت جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، استثنایی است بر این عبارت از دکتر میرمحمدصادقی: «کلیه جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص جزء جرایم مقید هستند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۷۷).

۴. آنچه بیان شد، مبتنی بر اصطلاحات جرم مطلق و جرم مقید به نتیجه است که در لسان حقوقدانان ما جریان دارد و الا با توجه به تعریف اصولی از مطلق و مقید (نک: محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۲)، جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی را می‌توان جرمی مقید به عدم تحقق نتیجه دانست که این قید در قالب شرط قانونی، در بخش شرایط قانونی بررسی خواهد شد.

۵. استاد آقائی‌نیا با استناد به قیاس اولویت، مواردی را که رفتار مرتکب موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن شود مشمول ماده ۵۶۷ می‌داند (آقائی‌نیا، ۱۳۹۷: ۳۲۰) که با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و منع تفسیر از طریق قیاس در امور ماهوی کیفری و نظر به قید عدم تحقق نتیجه فیزیکی در ماده مذکور که در نتیجه رفتار منتهی به هر گونه آسیب جسمی را از دایره شمول



## ۳-۱- رفتار

رفتارهایی که می‌توانند مشمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی شوند، محدود به موارد خاصی نبوده و هر رفتاری علیه دیگری را که موجب آسیب و عیب در بدن مجنی علیه نشوند و همچنین اثری از خود برجای نگذارد را دربرمی‌گیرد. همچنین با توجه به اینکه مقنن به صراحت از لفظ «رفتار» استفاده کرده است، جرم موضوع ماده مذکور نه تنها از طریق فعل که از طریق ترک فعل نیز قابلیت تحقق دارد.<sup>۱</sup> البته با توجه به موضوع جرم که علیه تمامیت جسمانی است، طبیعتاً با رفتارهایی مانند گفتار تحقق این جرم بعید می‌باشد.

رفتار لازم برای جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری، سبب شدن اعمال نیروی غیرقانونی بر جسم دیگری است.<sup>۲</sup> لازم نیست این نیرو موجب ترس و وحشت در قربانی شود و حتی ممکن است در حالتی که او در خواب می‌باشد، این جرم علیه واقع شود (Molan and Lanser and Bloy, 2000: 400). این رفتارها چنان گسترده هستند که حتی صرف لمس نیز برای تحقق این جرم کفایت می‌کند (Card, 2012: 181). همچنین همان گونه که در پرونده فاگان<sup>۳</sup> تصریح شده است که اگرچه صرف ترک فعل در مواردی مانند عدم جلوگیری از افتادن کودک از بلندی، برای تحقق جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری کافی نخواهد بود، اما اگر این ترک فعل ناشی از وظیفه قانونی یا قراردادی یا وجود رابطه خاص بوده و شخص توانایی مقابله با خطر را داشته است و همچنین ترک فعل او همراه با عنصر معنوی جرم (عمد و بی‌پروایی) باشد، جرم محقق خواهد شد و مسئولیت کیفری بر تارک فعل بار خواهد شد (Card, 2012: 183).

نیروی وارد شده می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. چنان‌که برای مثال ممکن است کسی گودال کوچکی در جلوی خانه دیگری حفر کند و شخص درون آن گودال بیفتد و آسیبی نیز در بدن وی ایجاد نشود (Ashworth and Horder, 2013: 8 of 61). یا در مثالی دیگر در پرونده هیستید<sup>۴</sup>، متهم زنی را که بچه‌ای در آغوش داشت، دو بار هل داد<sup>۵</sup> و بر اثر این رفتار او کودک از دست زن افتاد

ماده خارج می‌کند، چنین احتمالی با دشواری‌های اساسی روبه‌رو است. البته نگارندگان نیز می‌پذیرند که چنین تفسیرهایی نتیجه جرم‌انگاری غیرمنطقی و نابسامان جرایم علیه تمامیت جسمانی می‌باشد.

۱. درخصوص مفهوم رفتار و صور مختلف آن نک: شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳ و ۲۴؛ در این زمینه باید گفت که برای

تحقق جرم با ترک فعل، مرتکب باید وظیفه‌ای را قانوناً یا به موجب قراردادی مشروع برعهده داشته باشد.

2. Causing the application of unlawful force to the body of another [retrieved from DPP v Taylor; Little] (Cross, 2010: 99)

3. Fagan v Metropolitan Police Comr [1969] 1 QB 439, DC.

4. Haystead [2000] 3 ALL ER 890 QUEEN'S BENCH DIVISION

۵. در جای دیگر آمده است که او را ترساند (Molan, 2008: 281).



و متهم در دادگاه به تحمیل نیروی غیرقانونی علیه کودک محکوم شد؛ وی در درخواست تجدیدنظر بیان داشت که برای تحقق جرم مذکور نیاز به تماس جسمانی میان او و کودک است و اعمال نیرو از جانب او غیرمستقیم بوده است که این استدلال وی در دادگاه تجدیدنظر مورد قبول واقع نشد (Loveless, 2012: 526). در همین زمینه، ممکن است متهم در ارتکاب این جرم، از وسیله یا سلاحی استفاده کند و این امر مانع از تحقق جرم نخواهد بود (Herring, 2011: 103).

همچنین نیازی به تماس با بدن مجنی علیه نیست و ممکن است، این جرم با لمس لباس قربانی نیز واقع شود، همان گونه که در پرونده توماس<sup>۱</sup> دادگاه با این استدلال که لمس لباس مجنی علیه برابر با لمس بدن اوست، متهم را محکوم کرد (Elliott and Quinn, 2014: 154).

با توجه به آنچه که تاکنون گفته شد، ممکن است انتقاد شود که آیا جایز است که محدوده حقوق جزا، به چنین مسائلی جزئی مانند لمس دیگری گسترش یابد؟ که در پاسخ گفته می شود که هیچ حد فاصل قابل ملاحظه دیگری وجود ندارد و دست کم به این وسیله حمایت قانونی از مهم ترین داشته شهروندان، یعنی تمامیت جسمانی آنان اعلام می شود. به عبارت دیگر از آنجایی که حقوق جزا نمی تواند حد فاصل دقیقی میان مراتب مختلف خشونت ترسیم کند، به همین دلیل حتی کم ترین میزان آن را نیز ممنوع قلمداد می کند و هرکس حق دارد که از تماس و تحمیل نیروی ناخواسته در امان باشد (for further reading see: Ashworth and Horder, 2013: 8 of 61).

### ۳-۲- شرایط قانونی

درخصوص جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، چند شرط قانونی مهم با توجه به ماده مذکور قابل ذکر است. نخستین شرط این است که این جرم نیز همانند سایر جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرمی است که باید علیه دیگری انجام شود. دومین شرط این است که جرم مذکور باید بر جسم مجنی علیه واقع شود؛ زیرا ماده مذکور در محدوده تمامیت جسمانی بوده و از بدن سخن می گوید و همان گونه که در لغت می بینیم، بدن به معنای تن، جسم، کالبد و اعضا آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۴۶۸)، از این رو مقتضای تفسیر مضیق نصوص جزایی این است که ماده مذکور رفتار علیه تمامیت روانی را شامل نمی شود. سومین و مهم ترین شرط در این ماده این است که رفتار مرتکب منتهی به نتیجه ای فیزیکی در بدن مجنی علیه نشود؛ یعنی در صورت وقوع هرگونه آسیب و صدمه جسمانی و یا ایجاد اثر در پوست و جسم مجنی علیه، جرم موضوع این ماده تحقق نخواهد یافت. البته باید توجه داشت که امکان تحقق لطمه به تمامیت معنوی فرد وجود دارد و این امر مانع از تحقق جرم موضوع ماده ۵۶۷ نخواهد بود؛ این نکته هیچ گونه تعارضی با شرط دوم ندارد، زیرا

1. R V Thomas (1985)

شرط دوم در مقام بیان موضوع جرم و محل وقوع رفتار مجرمانه است، درحالی‌که نکته مذکور درخصوص نتیجه حاصله از رفتار مجرمانه است.<sup>۱</sup> با این توضیح که پس از وقوع رفتار مجرمانه بر جسم مجنی‌علیه، اگر نتیجه‌ای فیزیکی در جسم مجنی‌علیه واقع شود، این رفتار از شمول ماده مذکور خارج خواهد بود، اما درصورت تحقق نتیجه علیه تمامیت معنوی او دلیلی بر خروج رفتار از این ماده وجود ندارد و قید مذکور در ماده، حالت اخیر را دربرنمی‌گیرد. چنان‌که برای مثال فرض می‌کنیم شخصی دیگری را هل می‌دهد و بدون آنکه رفتارش اثری در جسم قربانی برجای بگذارد، این عمل وی موجب تخفیف او می‌گردد و در نتیجه به تمامیت معنوی او لطمه وارد می‌شود؛ این رفتار صرف نظر از اینکه می‌تواند مشمول سایر عناوین مجرمانه نظیر توهین گردد، در صورت داشتن سایر شرایط ماده ۵۶۷ از جمله عنصر معنوی، مشمول این ماده نیز خواهد بود.

در طرف دیگر، جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری در حقوق انگلستان نیز برای تحقق، نیازمند شرایطی است؛ نخستین شرط این است که نیروی وارد شده بر قربانی باید فیزیکی باشد. اگرچه صرف تماس بدنی، بدون نیاز به اینکه منجر به درد در بدن مجنی‌علیه شود، برای تحقق این جرم کافی است (Elliott and Quinn, 2014: 154)؛ اما همواره نیازی به تماس بدنی نیز وجود ندارد و آنچه که اهمیت دارد، فیزیکی بودن نیروی اعمال شده است. چنان‌که در پرونده لاینسی<sup>۲</sup> متهم به صورت مأمور پلیس تف کرد و با این استدلال که نیروی وارد شده بر مأمور پلیس فیزیکی است، به جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری محکوم شد (Fionda and Bryant, 2000: 29).

دومین شرط، غیرقانونی بودن نیروی وارد شده است. پس در صورتی که نیروی وارد شده در مواردی مانند دفاع مشروع، اقدامات پلیس در راستای دستگیری متهم<sup>۳</sup> و ... باشد، چنین رفتارهایی فاقد وصف مجرمانه خواهد بود. اقدامات اولیا و سرپرستان قانونی در قبال کودکان نیز در بر همین مبنا جرم نخواهد بود (Card, 2012: 184).

سومین شرط ناخواسته بودن نیروی وارد شده است. البته چنان‌که می‌دانیم، بیشتر جرایم دارای جنبه عمومی بوده و رضایت مجنی‌علیه مانع از تحقق این‌گونه جرایم نخواهد بود (Loveless, 2012: 542) و

۱. اگرچه جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، جرمی مطلق است، اما این به آن معنا نیست که امکان تحقق نتیجه مجرمانه در جرم مطلق وجود ندارد، بلکه به این معنا است که مقنن وقوع نتیجه را شرط تحقق جرم ندانسته است.

2. Lysney (1995) CA

۳. در صورتی که اقدامات پلیس در راستای دستگیر کردن شخص باشد، اعمال حد معقولی از نیروی فیزیکی قانونی خواهد بود، اما در صورتی که هدف دستگیر کردن شخص نباشد، حتی جزئی‌ترین اعمال نیروی فیزیکی نیز غیرقانونی خواهد بود [1056] EWHC [2008] DPP (Fraser) V DPP [2008] Wood (Fraser) V DPP [2008] EWHC [1056] (Hoxley-binns and Jacqueline, 2014: 386).

شرط مذکور نیز بیانگر این موضوع است که نبود رضایت و خواست مجنی علیه یکی از شروط تحقق جرم در کنار سایر شرایط تحقق جرم است؛ پس اگر رفتار انجام شده با رضایت طرف مقابل باشد، این رفتار در صورتی جرم نخواهد بود که سایر شرایط جرم نیز وجود نداشته باشد. رضایت شخص بر مواردی مانند تماس‌های بدنی معمول در فعالیت‌های ورزشی که خود شخص در آن شرکت کرده است، لمس پزشک برای معاینه و درمان او بار می‌شود و مانع از تحقق جرم می‌شود. همچنین دادگاه‌های انگلستان در پرونده‌های متعددی<sup>۱</sup> تأکید کرده‌اند که اگرچه نیازی به پرخاشگرانه بودن رفتار نیست، اما عمل انجام شده باید دارای وصف خصمانه باشد (Herring, 2011: 104). نکته مهم دیگر در خصوص این شرط این است که جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری، در مورد تماس‌های فیزیکی که در زندگی روزمره به‌طور طبیعی واقع می‌شود، قابل اعمال نخواهد بود؛ زیرا همان‌گونه که در پرونده کولینس علیه ویلوک<sup>۲</sup> آمده است، شخصی که زندگی در اجتماع را انتخاب می‌کند، وقوع چنین برخوردهایی را در جامعه پیش‌بینی می‌کند و با این حال با زندگی در جامعه خود را در معرض آن قرار می‌دهد؛ پس می‌توان گفت که به‌طور ضمنی به این برخوردها رضایت داده است (Hoxley-binns and Jacqueline, 2014: 386).

#### ۴- عنصر معنوی

برای تحقق یک جرم علاوه بر عنصر مادی، به عنصر معنوی نیز نیاز است. عنصر معنوی جرایم نیز می‌تواند عمد یا تقصیر جزایی باشد و اگرچه اصل کلی عمدی بودن همه جرایم است، اما با این حال مقنن در ماده ۵۶۷ به‌صراحت بیان داشته است که رفتار مذکور در ماده در صورتی جرم است (مجازات دارد) که عمدی باشد. ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی نیز تحقق جرائم عمدی مطلق را منوط به احراز علم موضوعی مرتکب و قصد ارتکاب رفتار دانسته است و در جرایم مقید، علاوه بر دو مورد پیش‌گفته احراز قصد اصلی یا تبعی<sup>۳</sup> بر تحقق نتیجه نیز ضروری بر شمرده است. با توجه به اینکه جرم موضوع ماده ۵۶۷ جرمی مطلق است، در عنصر معنوی این جرم نیازی به احراز قصد اصلی یا تبعی بر تحقق نتیجه نیز نیاز نیست. همچنین اگرچه اغلب سوءنیت خاص را قصد تحقق نتیجه می‌دانند (شمس‌ناتری و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۹۳؛ الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۲۰۴)، اما در معنایی دقیق‌تر قصد مشخصی است که مقنن در برخی جرایم، صراحتاً وجود آن قصد را شرط کرده است

1. E.g. Faulkner v Talbot (1982) 74 Cr App R 1 ; Brown [1994] 1 AC 212

2. Collins v Wilcock (1984)

۳. در قصد تبعی (غیرمستقیم)، مرتکب اگرچه صراحتاً قصد نتیجه را ندارد، ولی می‌داند که در صورت ارتکاب رفتار نتیجه واقع خواهد شد و با این حال رفتار را انجام می‌دهد (برای مطالعه بیشتر نک: مرعشی، ۱۳۸۴: ۱۰۴/۱ و ۱۰۵؛ خوبی، ۱۴۲۲: ۳/۴۲ تا ۵).

(نوربها، ۱۳۹۰: ۱۸۲ و ۱۸۳) که در این معنا نیز مقصد خاصی را برای تحقق جرم موضوع ماده ۵۶۷ لازم ندانسته است. به این ترتیب مرتکب باید آگاهانه و با علم به موضوع جرم و درحالی که قصد آزاد و کاملش به ارتکاب رفتار مجرمانه تعلق یافته است، مرتکب عنصر مادی جرم شود تا بتوان مسئولیت کیفری موجود در ماده را بر او بار کرد.

نکته دیگر که در بحث عنصر معنوی این جرم می‌توان مطرح کرد، نقش انگیزه مرتکب از ارتکاب این رفتار است. همان‌گونه که می‌دانیم اصولاً انگیزه به‌دلیل دشواری احراز آن، در حقوق کیفری تأثیری ندارد،<sup>۱</sup> در این جرم نیز انگیزه مرتکب از رفتار خود می‌تواند موارد متعددی مانند آزار و اذیت، توهین، جنسی و ... باشد. اگرچه ماده مذکور خلأ قانونی سابق را در بسیاری موارد پُر کرده است، اما در برخی موارد که رفتار مرتکب همراه با انگیزه جنسی یا توهین است، احراز چنین انگیزه‌هایی ممکن است و عدم تأثیر آن‌ها در مجازات مرتکب به دور از انصاف و عدالت بوده و نقدی بر قانون‌گذار می‌باشد که می‌بایست درخصوص این موارد مجازات‌های شدیدتری بر مرتکب بار کند. شاید مهم‌ترین تفاوت جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی با جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری، در عنصر معنوی آن‌ها است. با این توضیح که جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری علاوه بر اینکه به صورت عمدی تحقق می‌یابد، ممکن است با بی‌پروایی<sup>۲</sup> نیز واقع شود. چنان‌که براساس یک استدلال رایج، شخصی که مخاطره ارتکاب عنصر مادی یک جرم را [اگرچه بدون داشتن قصد مجرمانه] می‌پذیرد، در صورت تحقق جرم به‌اندازه کافی مقصر است که مسئولیت کیفری جرم را به دوش بکشد (Victor Tadros quoted from: Shute and Simester, 2002: 227). البته باید متذکر شد، پس از گذشت یک برهه بی‌ثبات و پرنوسان در تعیین معنای بی‌پروایی، قانون انگلستان در اواخر دهه هفتاد به‌گونه‌ای تثبیت شده است که معنای ذهنی بی‌پروایی را تأیید می‌کند (کلارکسون، ۱۳۹۸: ۹۸) و درخصوص جرم مورد بحث نیز بر مبنای پرونده سوییچ؛ پارمینتر<sup>۳</sup>، این بی‌پروایی باید ذهنی (شخصی) باشد که مشتمل بر پذیرش هوشیارانه یک خطر غیرموجه می‌باشد (کلارکسون، ۱۳۹۸: ۹۸)؛ یعنی در صورتی که مرتکب هنگام انجام رفتار، خودش احتمال بدهد که امکان وقوع جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری وجود دارد و با این حال مرتکب آن رفتار شود، مسئول شناخته خواهد شد.

۱. البته در حقوق برخی کشورها گاه انگیزه نقش مهمی را تعیین عنوان مجرمانه دارد (برای مثال نک: فلچر، ۱۳۹۵:

۲۱۶ و ۲۱۷؛ همچنین برای تأثیر انگیزه در حقوق کیفری ایران نک: الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۲۰۸ تا ۲۱۰).

2. Recklessness, for further reading see: Alexander and Ferzan and Morse, 2009: 25 to 31.

3. R v Savage, DPP v Parmenter [1991] 3 WLR 914

## ۵- ضمانت اجرا و ماهیت آن

### ۵-۱- ضمانت اجرا

در خصوص ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، اگرچه ماده ۱۰۴ این قانون، تمام جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات را قابل گذشت بیان کرده است و ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نیز که در مقام اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و افزایش گستره جرایم قابل گذشت برآمده است. در این مورد همان موضع قبلی مقنن را حفظ کرده است و تمام جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات را قابل گذشت می‌داند. اما مقنن در خود ماده ۵۶۷ نیز اعمال ضمانت اجرای مذکور در ماده را که حبس یا شلاق تعزیری درجه ۱۷ است، منوط به عدم مصالحه با مجنی علیه کرده است. یک احتمال از اعلام صریح و مجدد در خود ماده این است که می‌توان گفت ماده مذکور بار اثبات را تغییر داده است، یعنی اگر ذکر نمی‌کرد، اصل بر عدم گذشت بود و فرد باید مجازات می‌شد، اما با تأکید ماده اصل بر مصالحه می‌باشد و عدم مصالحه باید اثبات شود که البته این تفسیر چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

اما در ارتباط با جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری، با توجه به بخش ۳۹ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ پس از احراز عناصر جرم، دادگاه می‌تواند مرتکب را به پرداخت جزای نقدی که از سطح ۵ درجه بندی پذیرفته شده تجاوز نمی‌کند (حداکثر ۵۰۰۰ پوند)، یا به حبس که از مدت ۶ ماه تجاوز نکند، یا هر دو محکوم کند.

### ۵-۲- تحلیل ماهیت ضمانت اجرای ماده ۵۶۷

نکته مهم دیگر در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی این است که ماهیت ضمانت اجرای ماده مذکور چیست؟ جبران خسارت یا مجازات فرد خاطی؟ از آنجا که این ماده در بخش دیات قانون مجازات اسلامی قرار دارد، تبیین ماهیت دیه می‌تواند به پاسخ سؤال کمک کند. در اینجا هر دو فرض همراه با دلایل موافقان و مخالفان آن بررسی می‌شود. با توجه به متن ماده که بیان می‌دارد: «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن شود و نه اثری از خود در بدن برجای گذارد، ضمانت منتفی است، لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود»، شاید بیان شود که از عبارت ضمانت منتفی است می‌توان چنین برداشت کرد که این ماده درصدد جبران خسارت نیست، بلکه صرفاً درصدد تنبیه مرتکب است. اما این سخن از این حیث قابل خدشه می‌باشد که در متن ماده، بعد از منتفی دانستن ضمانت استثنایی ذکر کرده و

۱. برای اطلاع از درجات مجازات‌های تعزیری و مقادیر آن‌ها نک: ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی

این استثنا موارد عمدی است. یعنی ماده ضمان را در موارد غیر عمدی و شبه‌عمد منتفی دانسته است، نه در موارد عمدی. حال باید به این مسئله پرداخت که در موارد عمدی که مرتکب به صلح با مجنی‌علیه سوق داده می‌شود و در صورت عدم تصالح به ضمانت اجرای مقرر در ماده محکوم می‌شود، ماهیت آن مجازات است یا جبران خسارت؟ اثر پاسخ به این پرسش این است که اگر جبران خسارت باشد، دیگر مجنی‌علیه نمی‌تواند جداگانه مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم را بخواهد، ولی اگر مجازات باشد، خسارت معنوی ناشی از جرم قابل مطالبه است.

#### ۵-۲-۱- دیدگاه نخست: مجازات

یک دیدگاه این است که ماهیت ضمانت اجرای ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی را مجازات مجرم بدانیم. طبق این دیدگاه فرد متعرض به حریم جسمانی زیان‌دیده مستحق مجازات است تا از تکرار تجاوز به حریم جسمانی دست بردارد. برای دیدگاه مجازات بودن ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی می‌توان دلایل زیر را در نظر گرفت:

۱- نخستین دلیل مجازات بودن آن این است که این ماده در کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی با عنوان دیات قرار گرفته است و دیه نیز طبق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی در زمره مجازات قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

۲- مقطوع بودن آن: همان‌طور که در بحث حول ماهیت دیه بیان می‌شود، مقطوع بودن دیه یکی از دلایلی است که می‌توان دیه را مجازات دانست؛ چراکه اگر دیه خسارت باشد، نباید اندازه آن یک مقدار ثابت و مقطوع باشد (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۵۸). در مورد حکم مقرر در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی نیز مقنن یک مقدار مشخص و قطعی یعنی حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت را تعیین کرده است، در حالی که اگر برای جبران خسارت می‌بود، می‌بایست با توجه به مقدار خسارت و اوضاع و احوال آن، جبران آن نیز متفاوت می‌بود.

۳- لزوم عمدی بودن: اگر مجازات مقرر در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی جبران خسارت می‌بود در فرض شبه‌عمد و غیرعمد نیز می‌بایست قابل مطالبه می‌بود. حال آنکه صرفاً در صورت عمدی بودن، مرتکب مشمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی می‌شود.

#### ۵-۲-۲- دیدگاه دوم: جبران خسارت

طبق دیدگاه دوم ماهیت حبس تعزیری و شلاق مندرج در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، مجازات مجرم نیست. بلکه مقنن ابتدا با دعوت به صلح و بعد از عدم صلح، با حبس یا شلاق در

۱. ماده ۱۴ ق.م.ا بیان می‌دارد: مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف. حد ب. قصاص پ. دیه ت. تعزیر.

صدد جبران خسارت وارده بر زیان دیده است. برای خسارت بودن ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی می‌توان دلایل زیر را برشمرد:

۱- اینکه این ماده در بحث مربوط به دیات مطرح شده است، مانع از این نیست که آن را جبران خسارت بدانیم. چرا که هر چند دیه در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی در زمره‌ی مجازات آمده است اما در خصوص ماهیت دیه اختلاف نظر میان حقوقدانان وجود دارد<sup>۱</sup> و برخی دیه را غرامت می‌دانند. (محقق داماد، ۱۳۹۶، ۱۶۸)

۲- سوق دادن به تصالح: در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار ضمانت اجرای مد نظر خود را بعد از عدم تصالح ذکر کرده است. با اینکه در جرایم قابل گذشت با گذشت شاکی مجازات منتفی می‌گردد ولی این شیوه‌ی بیان در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی در مواد مربوط به سایر جرایم قابل گذشت به کار نرفته است. به همین جهت گمان می‌رود سوق دادن مرتکب به تصالح و منوط کردن ضمانت اجرا به عدم تصالح یک راه برای جبران خسارت باشد، نه یک مجازات. به عبارت دیگر با نگاه جبران خسارت به جزای مندرج در ماده مورد بحث عملاً می‌توان چرایی سوق دادن به تصالح را توجیه کرد. زیرا از طرفی در جرایم این ماده وقوع ضرر معنوی مسلم است و از طرف دیگر دیه منتفی می‌باشد؛ پس اگر مجازات را جبران ضرر ندانیم، آنگاه یک ضرر جبران نشده باقی مانده است که با اصل جبران کامل ضرر مغایرت می‌باشد.

### ۵-۲-۳- دیدگاه منتخب: ماهیت دوگانه

با توجه به دو دیدگاه مذکور و دلایل آنان می‌توان این نتیجه را گرفت که ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی هم دربردارنده جبران خسارت و هم دربردارنده مجازات مرتکب است. مرتکب با رفتار عمدی خود به حریم جسمانی دیگری تعرض کرده است و اینکه اثری از این تعرض برجای نمانده، نباید موجب شود که مرتکب رها گردد و تاوانی برای تعرض خود نپردازد. مقنن مرتکب را به صلح با زیان دیده سوق می‌دهد و در صورت عدم تصالح وی را مجازات می‌کند. مقنن هم درصدد جبران خسارت وارد بر زیان دیده است و هم درصدد است با تشبیه و مجازات مرتکب از تعرض به حریم جسمانی افراد جلوگیری کند.

حال با توجه به اینکه در ماده ۵۶۷ مقنن به جبران خسارت متضرر توجه داشته است باید بررسی کرد، در اینجا کدام نوع از خسارت رخ داده و چه شیوه‌ای برای جبران آن انتخاب شده است. در خصوص انواع خسارت‌ها و روش‌های جبران خسارت می‌توان ۴ حالت را در نظر گرفت. در حالت

۱. برای مطالعه بیشتر نک: رساله عملی در مسئولیت مدنی، نوشته: دکتر عباس میرشکاری، صص ۵۸-۶۹.



اول و دوم از حیث معنوی و مادی بودن میان خسارت و جبران آن تناسب وجود دارد و در حالات سوم و چهارم تناسبی میان مادی و معنوی بودن خسارت و جبران خسارت نیست. این حالات عبارت‌اند از:

جبران مادی خسارت مادی: این حالت را می‌توان متداول‌ترین فرض نوع خسارت و جبران آن دانست. مانند زمانی که فردی مال دیگر را تلف می‌کند و برای جبران خسارت مثل یا قیمت آن مال را پرداخت می‌نماید. در این فرض فرد زیان دیده خسارتی به اموال و دارائی وی وارد شده است و برای جبران خسارت عامل زیان نیز مالی را به زیان‌دیده پرداخت می‌کند. بازگرداندن عین مال در غضب، دادن بدل یا مثل یا پرداخت قیمت در اتلاف مال در این دسته قرار می‌گیرند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

جبران معنوی خسارت معنوی: خسارت معنوی، خسارت به حقوق مربوط به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت فرد که می‌توان آن را سرمایه معنوی نامید می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۳) بنابراین تعرض به حریم خصوصی، توهین به اشخاص و صدمات روحی در زمره خسارت‌های معنوی قرار می‌گیرند. سابقاً در امکان مطالبه جبران خسارت معنوی بحث و اختلاف نظر بود، اما بی‌تردید با وجود ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی خسارت معنوی قابل مطالبه است. اینکه قائل باشیم ضرر تنها مادی می‌باشد و ضرر معنوی داخل در قاعده لاضرر نیست، یک اشتباه است؛ چراکه می‌توان گفت حدیث لاضرر درباره ضرر معنوی‌ای که سمره بر انصاری وارد می‌نمود، صادر شده است. علاوه بر این حدیث لاضرر یک امر تعبدی نیست، بلکه قاعده عقلانی می‌باشد که برای رفع هرگونه ظلم و تجاوز از انسان وضع شده است (شوشتری، ۱۴۲۹: ۱۶۷).

درباره جبران خسارت معنوی می‌توان گفت جبران خسارتی است که فاقد جنبه مالی بوده و جنبه معنوی آن غلبه دارد. مانند الزام به عذرخواهی از زیان‌دیده. به نظر می‌رسد مباحث مربوط به قصاص و حدود را می‌توان در این زمره قرار داد. در قصاص خسارت وارده معنوی است و صدمات روحی آن با قصاص التیام می‌یابد. ممکن است که افرادی از قتل مقتول از حیث مادی نیز متضرر شوند، ولی قصاص برای جبران آن خسارت نیست و این افراد متضرر طبق ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی می‌توانند جبران خسارت مادی را بخواهند. در افتراء و قذف نیز که به حیثیت و شرافت افراد لطمه وارد شده خسارت معنوی است و جبران آن شلاق و تعزیر می‌باشد نیز معنوی است و جنبه مادی ندارد. موقوف نمودن یا الزام به از میان بردن منبع زیان، عذرخواهی شفاهی یا کتبی یا عملی یا درج مراتب اعتذار در جرید از روش‌های متداول جبران خسارت معنوی می‌باشد (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۴۶).

جبران معنوی خسارت مادی: در این حالت و حالت بعدی میان خسارت وارده و جبران خسارت آن تناسب وجود ندارد. در این فرض خسارت مادی وارد می‌شود، اما جبران خسارت به شیوه معنوی است. مثل الزام به عذرخواهی برای سوءاستفاده از برند.

جبران مادی خسارت معنوی: درباره‌ی اینکه آیا می‌توان خسارت معنوی را از طریق مادی جبران کرد، بحث‌های فراوانی مطرح شد که به اختصار بیان می‌شود. دیدگاه عدم امکان جبران خسارت معنوی از طریق مادی به دو دلیل ایراد نظری و عملی استدلال می‌کنند. ایراد نظری این است که امکان جبران خسارت وجود ندارد و پرداخت پول نمی‌تواند آن را جبران نماید (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۲: ۳۳). ایراد عملی نیز این است خسارت معنوی قابل تقویم و ارزیابی به پول نیست؛ چراکه دادرسی در مقام برآورد میزان خسارت معنوی ممکن است کار دشواری در پیش دارد و با تعیین مبلغی ممکن است بخشی از خسارت جبران نشده باقی بماند یا متضرر بیشتر از مقدار ضرر کرده منتفع شود (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۳۳۸). از سوی دیگر دیدگاه امکان جبران مالی خسارت معنوی است که به ایرادات پاسخ می‌دهند. ایراد نظری را این‌گونه می‌توان پاسخ داد که پول پرداختی اگرچه جبران‌کننده زیان نیست، اما خشنودکننده می‌باشد. یعنی با اینکه در جبران مالی خسارت معنوی ضرر از بین نمی‌رود، اما تسکینی برای زیان‌دیده است (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۳۴۰). در ایراد عملی و تقویم خسارت نیز دشواری امر نباید نافی اصل جبران خسارت تلقی شود (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۳۴۰؛ آقمشهدی، ۱۳۸۲: ۳۴). به علاوه که عدم جبران خسارت خلاف وجدان و انصاف می‌باشد (امامی، ۱۳۹۴/۴: ۲۷۴).

در اینکه ماده مذکور در کدام نوع از حالات خسارت و جبران خسارت مذکور قرار می‌گیرد، باید توجه داشت در میان حقوقدانان درباره اینکه صدمه‌های بدنی خسارت مادی یا معنوی اختلاف نظر وجود دارد. ضرر یک مفهوم عرفی است و عرف برای آن مفهوم گسترده‌ای در نظر می‌گیرد و شامل هرگونه زیان معنوی، مادی و بدنی می‌باشد (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). برخی نویسندگان صدمات بدنی مانند جراحت را خسارت مادی دانسته‌اند و خسارت مادی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «خسارتی که به بدن شخص یا دارائی او وارد شده باشد، مانند جراحت وارد کردن و شکستن پنجره (لنگرودی، ۱۳۹۴: ۲۶). از طرفی برخی دیگر خسارت‌های بدنی را دارای هر دو چهره خسارت معنوی و مادی می‌دانند، زیرا زیان معنوی همان درد و رنجی است که مجنی‌علیه تحمل می‌کند و ضرر مادی نیز هزینه‌های درمان منجی‌علیه می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۳). در رفتار موضوع ماده مورد بحث، وجه ضرر مادی منتفی است؛ چراکه فرد متحمل هزینه‌های درمانی نمی‌شود، فقط در اثر رفتار مرتکب درد و رنجی به وی وارد شده است یا به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و

شرافت وی ضرر وارد گردیده است که مجموع این موارد را می‌توان سرمایه معنوی نامید (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۳). مصادیقی از این جرم مانند هُل دادن یا سیلی فاقد اثر می‌تواند هتک حیثیت به حساب آید؛ چراکه هتک حیثیت دو معنای عام و خاص دارد که معنای خاص هرگونه گفتار خلاف واقع یا توهین آمیزی است که حیثیت شخص در جامعه خدشه‌دار می‌شود، مانند توهین و افترا و معنای عام هرگونه عملی است که به نوعی به حرمت انسانی لطمه وارد سازد مانند بازداشت غیرقانونی (کوشش‌کار، ۱۳۹۸: ۴۳) و هُل دادن یا سیلی زدن بدون اثر. در قوانین ایران، مقنن در قانون آئین دادرسی کیفری در تبصره ۱ ماده ۱۴ زیان معنوی و نحوه جبران خسارت آن را این‌گونه تعریف کرده است: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر مانند الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم کند». بنابراین ضرر رخ داده در اثر جرم مورد بحث، ضرر و خسارت معنوی است؛ چراکه جنبه مالی و مادی ندارد و در مصادیقی مانند هُل دادن در جمع هتک حیثیت اشخاص می‌باشد که در زمره ی خسارت معنوی است.

حال باید دید جبران خسارت مطرح در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی یک جبران خسارت مادی است یا معنوی؟ جبران خسارت مقرر در ماده ۵۶۷ دو مرحله‌ای است. ابتدا صلح و در صورت عدم تصالح، مجازات شلاق یا حبس تعزیری درجه هفت است. می‌توان گفت در وهله نخست مقنن مرتکب را به تصالح با زیان‌دیده سوق داده است. سوق دادن به صلح هر چند ممکن است منتهی به پرداخت وجوهی به زیان‌دیده شود، اما بالذات جنبه مادی ندارد و یک جبران خسارت معنوی محسوب می‌گردد. صلحی که بعد از ورود خسارت انجام می‌شود، نافذ است و جز در مواردی که قانون آن را باطل شمرده، باید اجرا شود و در اینجا نه تنها مخالف قانون وجود ندارد، بلکه الزام قانونی به صلح نیز وجود دارد و ضمانت اجرای عدم تصالح مجازات برای مرتکب می‌باشد. موضوع صلح نیز حق زیان‌دیده است و مفاد آن به نظام کیفری جامعه خللی وارد نمی‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸۲). صلحی مندرج در ماده ۵۶۷ که پس از طرح دعوا بین طرفین منعقد می‌شود صلح موضوع ماده ۷۵۲ قانون مدنی صلح در مقام رفع تنازع موجود است. در صورت عدم تصالح، مجازات مقرر یعنی حبس و شلاق تعزیری درجه هفت نیز چون جنبه مادی و مالی برای زیان‌دیده ندارد و زیان‌دیده از حیث مالی منتفع نمی‌گردد، جبران خسارت معنوی است. مانند آنچه که در اثر قذف خسارت معنوی وارد می‌شود و جبران آن نیز شلاق است که جبران خسارت معنوی می‌باشد.

در پاسخ به سؤال که آیا می‌توان شلاق و حبس تعزیری را از مصادیق جبران خسارت معنوی به‌شمار آورد یا خیر؟ باید گفت آنچه مسلم است شلاق و حبس تعزیری از مصادیق جبران خسارت مادی نیست؛ چراکه لطمه مادی به مجرم وارد نمی‌کند. بلکه با اجرای شلاق درد و رنجی بر وی وارد می‌شود و حیثیت مجرم در اثر اجرای شلاق آسیب می‌بیند که معنوی است. در حبس نیز هرچند حبس دارای آثار مالی می‌باشد، اما آنچه اثر اصلی حبس به حساب می‌آید، سلب حق آزادی مجرم است که باید آن را معنوی دانست. این نکته که ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری در بیان مصادیق جبران خسارت معنوی به حبس و شلاق در کنار الزام به عذرخواهی اشاره نکرده است، خدشه‌ای به معنوی دانستن شلاق و حبس وارد نمی‌کند، زیرا مصادیق ماده مذکور تمثیلی می‌باشد و روش جبران خسارت معنوی محصور و از پیش تعیین شده نیست، بلکه طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، قاضی با بررسی اوضاع و احوال قضیه می‌تواند روش مناسب برای جبران خسارت معنوی را مورد حکم قرار دهد. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی بیان می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد.»

ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی نیز مؤید همین امر است. ماده ۲ مقرر می‌دارد: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت‌های مزبور محکوم می‌کند و چنانچه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارت‌های مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد کرده، محکوم خواهد نمود.» در مصادیق ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی تردیدی نیست که خسارت معنوی به زیان دیده وارد آمده است و مجازات مقرر در انتهای ماده برای جبران این خسارت می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

رفتار موصوف در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شباهت قابل ملاحظه‌ای با جرم «تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری» (Battery) در نظام حقوقی انگلستان دارد. در هر دو جرم، تمامیت جسمانی قربانی مورد تعدی واقع می‌شود، اما رفتار مجرمانه، اثری بر جسم مجنی علیه برجای نمی‌گذارد. همچنین، هر دو جرم از جهت نتیجه مجرمانه، جرم مطلق هستند.

با توجه به اینکه جرم «تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری» از جمله جرایم کامن‌لا می‌باشد که بعدها تنها مجازات آن در قانون موضوعه تعیین شده است و تعریف آن همچنان وابسته به پرونده‌ها می‌باشد، و هریک از این پرونده‌ها و استدلال‌های موجود در آن‌ها زوایای جدیدی از این جرم را روشن می‌سازد؛ مطالعه این پرونده‌ها و استدلال‌های موجود در آن، کمک شایانی در شناخت هرچه بهتر و بیشتر ابعاد ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، به‌ویژه عنصر مادی آن می‌نماید. چنانکه هرچند

از متن ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی می‌توان متوجه شد که رفتار مادی این جرم می‌تواند فعل یا ترک فعل باشد، اما توجه به پرونده‌های مرتبط در حقوق انگلستان است که روشن می‌سازد، رفتار مادی این جرم می‌تواند تنها در حد لمس بدن دیگری بوده و یا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم واقع شود و همچنین لمس لباس شخص دیگر نیز در حکم لبس بدن او است. همچنین تحقق این جرایم نیازمند اجتماع شرایطی نیز می‌باشد که بدون آن‌ها جرم محقق نخواهد شد؛ چنانکه توضیح داده شد، رفتار مجرمانه مندرج در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی باید علیه جسم دیگری بوده و منجر به آسیب یا عیب یا اثر بر بدن مجنی علیه نشود، هرچند که امکان ورود لطمه به تمامیت معنوی شخص وجود دارد. اما با عنایت به جرم مشابه در حقوق انگلستان، روشن می‌شود که شروط دیگری نیز مورد نیاز هستند. یعنی نخست، اگرچه نیازی به تماس جسمانی میان دو شخص نیست، اما نیروی تحمیل شده باید فیزیکی باشد. دوماً، رفتار باید غیرمشروع (غیرقانونی) باشد. سوماً، رفتار صورت گرفته باید ناخواسته باشد؛ بنابراین، تماس‌های جسمانی که به طور طبیعی در زندگی اجتماعی تحقق می‌یابد، با مفروض داشتن رضایت ضمنی شخص به این رفتارها، از دایره شمول این جرم خارج می‌شود.

از لحاظ عنصر معنوی، با توجه به عمدی بودن جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، این جرم تنها در صورتی تحقق می‌یابد که مرتکب علاوه بر علم به موضوع، قصد ارتکاب رفتار واقع شده را نیز داشته باشد؛ هرچند که مقنن، وجود قصد یا انگیزه دیگری در مرتکب را شرط نکرده است. اما جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری در حقوق انگلستان در این موضوع تفاوت عمده‌ای با ماده مذکور دارد و علاوه بر عمد، با بی‌پروایی نیز محقق می‌شود.

هرچند توجه مقنن به حریم خصوصی جسمانی اشخاص امری قابل تقدیر است و خلأ قانونی سابق در این خصوص مرتفع شده است، اما عدم تمایز و عدم تشدید مجازات اشخاصی که با انگیزه جنسی یا توهین یا آزار و اذیت روحی، به تمامیت جسمانی دیگری تعرض می‌کنند و یا مواردی که به شخص آسیب روحی یا حیثیتی وارد می‌شود، از نکات قابل انتقادی است که قانون‌گذاری‌های جدیدی را در این خصوص طلب می‌کند. همچنان‌که در حقوق انگلستان این تمایز وجود داشته و مواردی که منجر به آسیب روحی، عصبی و روانی می‌شود، با عنوان «تهاجم منجر به ورود صدمه جسمانی (Assault causing actual bodily harm)» کیفر داده می‌شود.

ضمانت اجرای جرم تحمیل نیروی غیرقانونی علیه دیگری در حقوق انگلستان، جزای نقدی که از سطح ۵ درجه‌بندی پذیرفته شده تجاوز نمی‌کند، یا حبس که از مدت ۶ ماه تجاوز نمی‌کند، می‌باشد. در حالی که، به نظر می‌رسد ضمانت اجرای جرم موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی،

دارای ماهیت دوگانه بوده و هم مجازات و هم جبران خسارت معنوی محسوب می‌شود. بررسی ماده مذکور از لحاظ ماهیت، قائل بودن به ماهیت دوگانه ضمانت اجرای آن و شناسایی شلاق و حبس به‌عنوان یکی از مصادیق جبران معنوی خسارت در نگاه مقنن از نوآوری‌های این پژوهش است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

## فارسی

- آقائی نیا، حسین (۱۳۹۷)، «جرایم علیه اشخاص (جنایات)»، چاپ هفدهم، تهران، میزان.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین (۱۳۸۲)، «جبران خسارت معنوی در ایران»، پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، شماره نهم و دهم، صفحات ۳۱ تا ۴۸.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۶)، «درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)»، چاپ سوم، تهران، میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴)، «ترمینولوژی حقوق»، چاپ بیست و هفتم، تهران، گنج دانش.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۴)، «حقوق مدنی»، جلد چهارم، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات اسلامی.
- حسینی، سید محمد و اعتمادی، امیر (۱۳۹۶)، «ایجاد ترس از اعمال خشونت به مثابه‌ی تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان»، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و یکم، صفحات ۹ تا ۳۸.
- خمینی، سید روح الله (بی تا)، «تحریر الوسيلة»، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ ه ق)، «موسوعه الامام الخویی (مبانی تکملة المنهاج)»، چاپ اول، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره، راهیاب: نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه نرم افزاری علوم اسلامی نور.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، «لغت‌نامه دهخدا»، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شمس نازی، محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۹۶)، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (جلد اول)»، چاپ چهارم، تهران، میزان.
- صادقی، حسین (۱۳۸۸)، «مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک»، چاپ اول، تهران، میزان.
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، «مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)»، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- فلچر، جورج پی. (۱۳۹۵)، «مفاهیم بنیادین حقوق کیفری»، مترجم: سید مهدی سید زاده ثانی، چاپ پنجم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قانع، امیررضا (۱۳۹۹)، «تحلیل بزه توهین عملی و بزه ایراد ضرب عمدی بدون ایجاد اثر، در پرتو نقد رای»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، شماره سی و یکم، صفحات ۱۹۳ تا ۲۱۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، «وقایع حقوقی: مسئولیت مدنی»، چاپ هفدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کلارکسون، کریستوفر (۱۳۹۸)، «تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی»، ترجمه و توضیح: حسین میرمحمد صادقی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.
- کوشش کار، ریحانه و قاسمی عهد، وحید (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، دوفصلنامه‌ی دانش حقوق مدنی، سال هشتم، شماره پانزدهم، صفحات ۴۲ تا ۵۷.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۵)، «حقوق جزای اختصاصی»، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.



- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۶)، «قواعد فقه ۴ بخش جزایی»، چاپ سی و چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۵)، «مبانی استنباط حقوق اسلامی (اصول فقه)»، چاپ پنجاه و هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۸۴)، «دیدگاه‌های نو در حقوق»، چاپ دوم، تهران، میزان.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۵)، «رساله عملی در مسئولیت مدنی»، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶)، «جرایم علیه اشخاص»، چاپ بیست و چهارم، تهران، میزان.
- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۲/۱۱۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی اداره حقوقی به آدرس: [www.edarehoquqy.eadl.ir](http://www.edarehoquqy.eadl.ir)
- نوربها، رضا (۱۳۹۰)، «زمینه حقوق جزای عمومی»، چاپ سی و دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.

### انگلیسی

- Alexander, Larry and Ferzan, Kimberly Kessler and Morse, Stephen J. (2009), *crime and culpability: a theory of criminal law*, first published, New York, Cambridge university press.
- Ashworth, Andrew and Horder, Jeremy (2013), *principles of criminal law*, seventh edition, London, Oxford University Press.
- Blackwell, Amy hackney (2008), *the essential law dictionary*, first edition, Canada, sphinx publishing.
- Card, Richard (2012), *Card, Cross and Jones criminal law*, twentieth edition, London, oxford university press.
- Carr, Claudia and Johnson, Maureen (2013), *beginning criminal law*, first published, London, Routledge.
- *Criminal justice act 1988*, accessible in [www.legislation.gov.uk](http://www.legislation.gov.uk)
- Cross, Noel (2010), *criminal law & criminal justice: an introduction*, first published, London, SAGE publication.
- Elliott, Catherine and Quinn, Frances (2014), *criminal law*, tenth edition, London, Pearson education limited.
- Fionda, Julia and Bryant, Michael J (2000), *briefcase on criminal law*, second edition, London, Cavendish publishing limited.
- Herring, Jonathan (2011), *criminal law*, eighth edition, London, palgrave macmillan.
- Herring, Jonathan (2012), *criminal law (text, cases and materials)*, fifth edition, London, oxford university press.
- Hoxley-binns, Rebecca and Martin, Jacqueline (2014), *unlocking the English legal system*, fourth edition, London, Routledge.
- Loveless, Janet (2012), *criminal law (text, cases and materials)*, third edition, London, oxford university press.
- Martin, Elizabeth A. (2003), *oxford dictionary of law*, fifth edition, London, oxford university press.
- Martin, Jacqueline and Storey, Tony (2015), *unlocking criminal law*, fifth edition, London, Routledge.
- Molan, Micheal (2001), *sourcebook on criminal law*, second edition, London, Cavendish publishing limited.

- Molan, Mike (2008), *cases and materials on criminal law*, fourth edition, London, Routledge.
- Molan, Mike and Lanser, Denis and Bloy, Duncan (2000), *bloy and perry's principles of criminal law*, fourth edition, London, Cavendish publishing limited.
- *Offences against the person act 1861*, accessible in [www.legislation.gov.uk](http://www.legislation.gov.uk)
- Shute, Stephen and Simester, A.P. (2002), *criminal law theory: doctrines of the general part*, first published, London, oxford university press.

#### وبسایت‌ها

- پایگاه اینترنتی اداره حقوقی قوه قضاییه به نشانی [www.edarehoquy.eadl.ir](http://www.edarehoquy.eadl.ir)
- سامانه نشست‌های قضایی، متعلق به مرکز آموزش قوه قضاییه به نشانی [www.neshast.org](http://www.neshast.org)

